

میز گرد «شهروند» درباره وضع کارتون و کاریکاتور در مطبوعات

# کارتون‌نویس باید چارچوب فکری داشته باشد



طاہری: شاید نیاز باشد در این زمینه اشاره‌ای به موضوعات تاریخی داشته باشیم که به نظر من هادی بهتر می‌تواند به‌ما کمک کند.

این اعتقاد در جامعه مطبوعاتی ما وجود دارد که عمر مطبوعات کاغذی به انتها رسیده است. در این میان فضای مجازی به عنوان فضایی که هر روز در جامعه نفوذ بیشتری پیدا می‌کند، اهمیت روزافزون پیدا کرده است. از کاریکاتور و کارتون هم برداشت‌های مختلفی وجود داشته؛ زمانی به آن به‌عنوان یک تفنن نگاه می‌شد، زمانی هم برای آن رسانتی خاص در نظر می‌گرفتند. اکنون با آمدن فضای مجازی آیا عمر این نوع از کار به پایان رسیده است؟ به لحاظ حرفه‌ای آینده را چگونه می‌بینید؟ پیوند با مخاطب در این فضا چگونه باید شکل بگیرد و آیا نیاز طراحان این است که به‌ابزار نوینی مجهز شوند یا خیر؟

شاید نیاز باشد در این زمینه اشاره‌ای به موضوعات تاریخی داشته باشیم که به نظر من هادی بهتر می‌تواند به‌ما کمک کند.

حیدری: این، بحث جدیدی نیست و درباره آن زیاد صحبت شده است. این سوال همیشه بوده که کارتون هم متناسب با اوج و فرود مطبوعات، دچار اوج و فرود شده یا خیر و روندی خطی را در طول تاریخ خود، پیموده است؟ از سوی دیگر طبیعی است که چون حیات کارتون مطبوعاتی به حیات چریده و یک مطبوعه بستگی دارد، متناسب با باز و بسته شدن فضای کار مطبوعات، کارتون هم از آن تأثیر پذیرفته است. کارتون سنن زیادی در ایران ندارد و در بدو امر همراه نشریاتی که در ممالک عثمانی منتشر می‌شده، به ایران آمده است و البته توانست جای خود را در ایران باز کند. طراحان معروفی هم که در این کار وارد شده‌اند به این موضوع کمک کرده‌اند. در نشر به ملاصرالدین، دو طراح معروف آلمانی یعنی «روتر» و «شرینگ» کار کردند و الگویی شدند برای کارتون‌نویس‌هایی که بعدها در مطبوعات ایران کار کردند. کارتون در ایران دوره‌های مختلفی داشته و اگر بخواهیم این دوره‌ها را تقسیم‌بندی کنیم، می‌توان دوران قبل از کودتای ۲۸ مرداد را دوران طلایی کارتون مطبوعاتی دانست. در آن زمان برخی از نشریات بسیار تند علیه دولت ملی دکتر مصدق، کارتون‌هایی را منتشر می‌کردند. بعد از کودتا فضای سیاسی بسته می‌شود و تا سال حدود ۱۳۵۲ تا ۵۳ به همان شکل می‌ماند. کارتون مطبوعات در این دوره نیز تحرکاتی دارد و بعد تا قبل از انقلاب ۵۷، دیگر تحرک ندارد و قبل از انقلاب، پهلوی دوم با این خیال که اگر فضای سیاسی ایجاد کند می‌تواند خشم انقلابیون را فرو نماند، امکان تحرک بیشتری به مطبوعات می‌دهد و کارتون‌نویس‌ها نیز تحرک زیادی در این زمینه دارند. بعد از انقلاب خیلی زود، دچار جنگ می‌شود. تقابل از جنگ دوره شکوفایی کارتون است و بعد دوره انسداد آغاز می‌شود و فضای نقد از بین می‌رود به این دلیل که در زمان جنگ قوانین خاص خودش حکمفرماست و غیر از این، در آن زمان همه اهل رسانه و مطبوعات دشمن مشترکی را در مقابل می‌دیدند و بر آن تمرکز داشتند، به همین دلیل همه فتنه‌ها نقد دولت را پدید می‌کشیدند. چه راست‌میلی و مذهبی هم نداشت. بعد از جنگ وقتی فضا به سمت گشایش می‌رود کم‌کم نشریاتی مانند گل لقا و طنز و کاریکاتور شکل می‌گیرد که البته در فضای بسته‌ای آغاز به کار می‌کنند اما به فضای گشایش مطبوعات پیوندی خوردند و باعث می‌شود برخی از آدم‌ها که قبلاً در نشریات فعال بوده‌اند و در نشریات قبل از انقلاب نیز کار می‌کردند و متروقی شده بودند دوباره در این فضا احیا شوند و به کار رو آورند. به واسطه وجود همین نشریات نسل جدیدی در حوزه کارتون ظهور می‌کنند که اگر امروز هم تحرک مشاهده می‌شود در اصل به واسطه تولدی است که در آن دوره اتفاق افتاده است. بعد این فضا به خرداد ۷۶ می‌رسد

که در اصل بهار طلایی مطبوعات است. خرداد ۷۶ تا اردیبهشت ۷۹ این فضا به طول می‌انجامد که نشریات زیادی در این زمان به صورت فله‌ای توقیف می‌شوند. دوم خرداد به نظر من دوران طلایی مطبوعات در ایران و به تناسب فعالیت نشریات دوره اوج گیری کارتون در ایران است. در این دوره به دلیل باز شدن فضای مجازی و نتقد و انتقاد، طرح‌موضوعاتی که شاید تا پیش از این تابو بود و تعداد زیادی نشریه که مجوز فعالیت می‌گیرند، نسل جدیدی شکل می‌گیرد و اجازه ظهور و بروز پیدا می‌کنند. از سال ۷۹ تا امروز نیز حیات کارتون به‌طور متعادل پیشرفت است.

طاہری: در سوال این موضوع مطرح شد که آیا با پایان یافتن نشریات کاغذی، عمر کارتون هم به پایان خواهد رسید یا خیر، اینها خیلی به هم وابسته‌اند ولی شکل نشریات کاغذی که هنوز در دنیا مخاطب دارند، تفاوتی خاص با فضای دیجیتال و نت دارد و نت تفاوتش در اعتبار مطالب منتشر شده در نشریات کاغذی است. در واقع این اعتبار را در سایت‌هایی می‌بینید که وابسته به یک نشریه کاغذی‌اند یا یک خبرگزاری رسمی وابسته‌اند. خارج از این دو گروه، خبر دست‌چندم را باید کلی جست‌وجو کنید تا به منبع خبر برسید و برایتان مسجل شود که خبر دقیق است یا خیر. به نظر من جای این بحث هنوز وجود دارد که چطور می‌توان اعتبار فضای نت را استنجید. برای همین تا زمانی که این مشکل حل نشده به گمانم نشریات کاغذی می‌توانند حیات داشته باشند. درباره تولید محتوای نیز این موضوع صادق است که کیفیت محتوای تولیدشده در نشریات کاغذی متفاوت از این چیزی است که در نت منتشر

حمیدرضا عظیمی | تصویر و عکس، ویژگی‌ای دارد که شاید متن نداشته باشد و آن هم این است که خواندن متن نیاز به حوصله زیاد دارد و نگاه به عکس و تصویر چنین پیش‌نیازی را طلب نمی‌کند؛ به همین دلیل اکنون که دوره رسانه‌های سایبری است و همه چیز به صورت فشرده ارائه می‌شود، عکس و تصویر، از هر گونه که باشد، علاقه‌مندان زیادی دارد. در این میان کاریکاتور و کارتون که سال‌هاست در مطبوعات ایران نقش ایفا می‌کنند در دنیای سایبر، جذابیت بیش از پیش پیدا کرده است. نگاه به تاریخ کاریکاتور در ایران نشان می‌دهد این رشته هنری از حدود سال ۱۲۸۲ هجری شمسی مصادف با سال ۱۹۰۳ میلادی قبل از مشروطه و در دوره قاجار به ایران آمده، یعنی ۷۰ سال بعد از آن است که «کاغذ اخبار» در دوره محمدعلی شاه قاجار به‌عنوان نخستین روزنامه در ایران منتشر شده است.

«غلامعلی لطیفی» که خود از معاریف کاریکاتور و کارتون ایران است، در «نگاهی به تاریخ هنر کاریکاتور در ایران» آورده است: به‌رغم تصاویر طنزآمیز کتاب‌های قدیمی همچون «عجایب المخلوقات»، «کلتوم ننه» و «موش و گربه» و نظایر آنها، کاریکاتور

به‌عنوان یک وسیله مستقل انتقاد و اظهار نظر اجتماعی، در مطبوعات ایران جاگرفته است.

برای توصیف کارکرد کاریکاتور جملاتی مختلفی آورده‌اند که اختلافات زیادی با هم دارند و از «فکش زدن تصاویر با بیان موجز و طنز آمیز» تا «کاریکاتورها، شمشیرهای برهنه‌اند که بر روی جباران کشیده می‌شوند» تفاوت دارند. همین موضوع بهانه‌ای شد تا در میزگردی با دو نفر از افرادی که در این زمینه، دستی بر آتش دارند و تأثیرشان در روزنامه‌نگاری ایران بحث‌کنیم.

مهمان میزگرد «هادی حیدری» و «سلمان طاہری» بودند. هادی حیدری، متولد ۱۳۵۶ در تهران و فارغ‌التحصیل کارشناسی نقاشی از دانشکده هنر و معماری تهران است. حیدری کار مطبوعاتی خود را با «گل لقا» در سال ۱۳۷۲ آغاز و کتاب «ادبیات کاریکاتور ایران در عصر اصلاحات» را هم تألیف کرده است. حیدری در بیشتر روزنامه‌های اصلاح‌طلب با به‌عنوان همکار حضور داشته یا به‌عنوان دبیر سرویس طرح و کاریکاتور و مدیر هنری او. «دور بخش کاریکاتور یازدهمین و دوازدهمین جشنواره مطبوعات ایران»، «دور بخش کاریکاتور

سومین جشنواره مطبوعات شهری»، «دور بخش کاریکاتور سومین جشنواره نشریات دانشجویی» و «عضویت در فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران (آی. اف. جی)» را در کارنامه دارد.

سلمان طاہری نیز متولد ۱۳۵۸ در اهواز است. در رشته مهندسی عمران از دانشگاه علم و صنعت ایران فارغ‌التحصیل شده و در سال ۱۳۷۶ فعالیت‌های هنری خود در زمینه کاریکاتور را با نشریات دانشجویی آغاز کرده است. او سال ۱۳۷۸ همکار موسسه گل آقا شده و به‌طور ویژه در نشریه «بچه‌ها... گل آقا» فعالیت بیشتری کرده است. «مقام اول مسابقه کاریکاتور گل آقا با موضوع محیط‌زیست ۱۳۷۸»، «اثر برگزیده خانه کاریکاتور در نخستین جشنواره کاریکاتور دانشجویان سراسر کشور ۱۳۸۱»، «مقام اول مسابقه کاریکاتور چهره گل آقا ۱۳۸۲»، «مقام دوم جشنواره مطبوعات در حوزه فرهنگی و هنر» و «مقام نخست سیزدهمین جشنواره مطبوعات ایران ۱۳۸۵»، «تصویرسازی کتاب «بچه‌ها... من هم بازی»، «کپی بود رفت زیر میز» و «مثل کنه چسبیدن» هر سه نوشته منوچهر در کارنامه سلمان طاہری دیده می‌شود. مشروح این میزگرد در ادامه آمده است.

می‌شود، کارتون‌نویس می‌تواند با استفاده از نشانه‌ها و سمبل‌ها، حرف خود را بزند. ایسن ویژگی کارتون را برداشت‌پذیری می‌کند اما به همان اندازه که این برداشت‌پذیری خطراتی دارد، ویژگی مثبت کار هم هست و به کارتون‌نویس اجازه می‌دهد، هم حرف خود را بزند و هم به این دلیل که می‌شود از اثرش برداشت‌های مختلفی داشت، مفری حقوقی برای او باشد و راهی را پیش پای او بگذارد که بگوید منظور این نبوده یا آن بوده است. این به کارتون‌نویس و قدرت پرداخت او هم ربط دارد که چگونه بتواند تصویرگری کند تا طرف مقابل به صراحت نتواند او را به مقصود مورد نظر خودش متهم کند. بنابراین به نظر من کارتون‌نویس‌ها به دلیل قابلیت‌هایی که در کار دارند همیشه می‌توانند تنفس کنند، حتی در فضایی با کسب‌وکار کم و نیز می‌توانند بر لبه تیغ راه بروند. شاید جاذبه کارتون در کشوری مانند ایران همین باشد. اگر شما یک کارتون‌نویس باشید در کشوری با آزادی کامل، قدرت تأثیرگذاری‌تان آن قدر نخواهد بود که کارتون‌نویستی در ایران دارد. من همین جا گریزی می‌زنم به بحث قبلی که گفته شد فضای مجازی می‌تواند کارتون را محدود کند یا خیر؟ من این مطلب را جاهای دیگر هم گفته‌ام که کارتون خودش یک رسانه است. ماهیتش طوری است که خودش به تنهایی و مستقلا می‌تواند به‌عنوان یک رسانه نقش ایفا کند و اگر هم عصر رسانه‌های کاغذی رو به پایان باشد، هر ابزار دیگری که به‌عنوان رسانه بداند می‌تواند محلی برای عرضه کارتون باشد. کارتون حالا در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بیشتر دست‌به‌دست می‌شود تا در رسانه کاغذی؛ تنها تفاوتش این است که محل انتشار تغییر کرده، بنابراین ماهیت کارتون تغییر نمی‌کند اما بستر انتشارش ممکن است تغییر کند.

• می‌خواستم بحث فضای مجازی را مجدداً در جای دیگری مطرح کنم اما چون در صحبت‌های‌تان به این موضوع اشاره شد، در همین فرصت این بحث را بی‌می‌گیرم. به عقیده من درست است که به نظر بسیاری کارتون مطبوعاتی به‌عنوان شغل مطرح نیست اما فضا طوری پیش رفته که عملاً می‌توان آن را به‌عنوان شغل به حساب آورد و می‌شود این موضوع را به‌عنوان یک امر و جدی‌شدن است و باید وارد آن حوزه شغل‌ها؛ بله؛ به‌رحال نبود قانون کیفری یکی از نقاط آسیب‌پذیر کارتون‌نویس‌ها به‌ویژه آنهایی

حیات بدهد، غیر از این که اثر کجا قرار است منتشر شود، نیاز به اقتصاد دارد، یعنی جریان اقتصادی این شغل باید درست باشد. به‌عنوان مثال زمانی کتاب‌های مصور در ایالات متحده بسیار شیوع داشت و هنوز هم به‌نظم این‌گونه باشد. آن‌جا فرهنگ زندگی با کارتون جا افتاده و هر آمریکایی را که ببینید در خاطرش یک دو جین از کتاب‌های مصور وجود دارد که کارش به حوزه سینما هم کشیده شده و فیلم‌هایی مانند «پتمن» و «اسپایدرمن» و... ابتدا کتاب مصور بوده‌اند. آن‌جا این اتفاق افتاده و یک کارتون‌نویس هر چند ممکن است وضع خیلی خوبی نداشته باشد اما در معیشت لنگ هم نمی‌ماند، چون اقتصاد کار، چفت و بست پیدا کرده و حتی اگر پرش به وجود آید و محل انتشار کارتون تغییر کند و از کاغذ به فضای مجازی برود، اقتصاد ما چرا خیلی تفاوت نخواهد کرد. ما باید برای این کار چه کنیم؟

حیدری: کارتون ویژگی اساسی‌ای دارد که باعث شده در مقاطع مختلف حتی در زمانی که با انسداد مواجه بوده ایم، به حیات خود ادامه دهد. این ویژگی سمبل‌گرایی و نشانه‌گرایی است. زمانی که فضا بسته می‌شود، کارتون‌نویس‌ها با استفاده از نشانه‌ها و سمبل‌ها، حرف خود را بزند

حیدری: من در این زمینه خیلی حرف دارم، البته می‌خواهم طوری حرف‌هایم را بزنم که پراکنده نباشد. کارتون‌نویس‌های مطبوعاتی هر جا که باشند، اگر صرفاً در مطبوعات کار کنند، آدم‌های صاحب ثروت نخواهند بود، حتی در کشورهای توسعه‌یافته که از نظر تکنولوژیکی پیشرفته و مردم‌ش اهل مطالعه‌اند. ولی درباره کارتون‌نویس‌هایی که می‌توانند در فضاهای غیر مطبوعات سرک بکشند مانند همین حوزه کمیک استریپ کتاب (مصور)، افرادی هستند که صاحب ثروت شده‌اند. یکی از دلایل این امر وجود قانون «کیفری» است و هر اثری که بارها دیده می‌شود به‌ازای هر بار مشاهده، مبلغی به صاحب اثر تعلق می‌گیرد. متأسفانه مادر کشورمان این قانون را ندارد. حیدری: این‌جا سمت را هم که بر اثر گذاشته‌ای حذف و یا نام دیگر منتشر می‌کنند.

طاہری: بله؛ به‌رحال نبود قانون کیفری یکی از نقاط آسیب‌پذیر کارتون‌نویس‌ها به‌ویژه آنهایی

که اثر از آن تولید می‌کنند، است. فقصدان قانون کیفری باعث می‌شود یکی از اصلی‌ترین ممر درآمد کارتون‌نویس‌ها حذف شود. ولی درباره خود کارتون و این که چطور در برخی از کشورها آن اتفاق برای همه هنرمندان به‌ویژه کارتون‌نویس‌ها که مورد بحث ما هستند، می‌افتد و برای ما این اتفاق نمی‌افتد، منهای بحث حمایت‌های دولتی به نظر من بحث فرهنگی است. اصلاً ما مردم ایران (نمی‌خواهیم از عبارت کلیشه‌ای ما ایرانی‌ها استفاده کنیم) که مانند مردم دیگر کشورها اهل مطالعه و اهل هزینه کردن برای بخش فرهنگی نیستیم، باعث می‌شویم آن بخش از جامعه که بالقوه می‌تواند تولیدکننده محصولات فرهنگی باشد و تولیدات کارپردی مانند کارتون را ارایه می‌دهد، ضعیف‌شود و کیفیت کارها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اینها همه باعث ضعف می‌شود. در آن کشورها از نظر اقتصادی زمینه‌ای فراهم شده که بستر تولید هنر کارپردی از جمله کارتون ایجاد شده است. همین کمیک استریپ که شما گفتید تا چند دهه در آمریکا، جزو زمینه‌های ضررده بوده و کمپانی‌هایی در این زمینه ایجاد و ورشکست می‌شدند. تقریباً بعد از جنگ جهانی دوم روند ثابت ایجاد شد و کمپانی‌هایی که در زمینه کمیک استریپ کار می‌کردند و آنهایی که توانستند از ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰ را دوام بیاورند، بزرگ و بزرگتر شدند. ما اما در روند اقتصادی معیوب قرار گرفته‌ایم و تا زمانی که مردم ما حاضر نباشند برای کالای فرهنگی هزینه کنند و قوانینی مانند کیفری رایت وجود نداشته باشد، وضع هنر ما به همین شکل است و موسیقی و کارتون ما بر همین مسیر پیش می‌رود.

حیدری: که سوال را خاص‌تر مطرح کنی من برای پاسخگوئی راحت‌تر هستم.

• خوب به فاعده و احتمال اگر قرار بر خاص بودن باشد، باید این طور مطرح کنم که کارتون با هر اثر دیگر، جایی برای انتشار نیاز دارد. در فضای مطبوعات کاغذی، تعداد رسانه‌ها محدود است و عده کمی می‌توانند در این عرصه فعال باشند ولی وقتی بحث فضای مجازی مطرح می‌شود امکان انتشار اثر در این فضا به وجود می‌آید، دیگر محدودیتی نیست اما اتفاقی که افتاده، این است که اقتصاد درستی در این زمینه شکل نگرفته است، زیرا اگر قرار باشد در اثر تولید محتوا، تولید ترویج رخ دهد، باید بخشی از آن، به تولیدکننده محتوا اختصاص یابد، اگر قرار باشد جریان کارتون ادامه پیدا کند صرف‌نظر از این که مطبوعات کاغذی ادامه داشته باشند، فضای مجازی وجود خواهد داشت. در فضای مجازی همین امکان در آمدزایی وجود دارد و سایت‌هایی هستند که از این محل، در آمد دارند اما به این دلیل که اقتصاد ما چرا درست شکل نگرفته و قانون و قاعده‌ای وجود ندارد، تولیدکننده اثر سهمی از این درآمد ندارد. برای حل این موضوع و شکل‌گیری اقتصاد درست این حوزه، به‌یاد باید کرد؟

حیدری: به نظر من بحث زیربنایی‌تر از شکل‌گیری اقتصاد این حوزه، این است که کارتون از سوی صاحبان رسانه به رسمیت شناخته شود و کارتون‌نویس بودن به‌عنوان شغل و حرفه به حساب آید. به نظر من اگر این حرفه از سوی صاحبان رسانه و مسئولانی که در نهادهای بالا دستی حرفه ما سیاست‌گذاری می‌کنند، به رسمیت شناخته شود، به این معنا که هنرمند کارتون‌نویس به‌عنوان کسی که در صنفی مشخص فعالیت می‌کند باید امرار معاش کند. آن وقت می‌توان برایش راهکارهایی به وجود آورد که سازگار با اقتصاد نیز در درونش خواهد بود. کیفری رایت بخشی از این ماجراست و یکی از ایرادهای مجازی‌شدن فضای انتشار کارتون هم این است که اثر شما صدها و هزارها بار به نمایش درمی‌آید بدون این که حق و حقوقی برای شما در نظر گرفته شود. بحث از این هم بدتر است و همان طور که گفتم حتی اسم و امضای شما را هم از زیر اثر حذف می‌کنند. از ایرادهای دیگر این است که ما صنعتی هم نداریم که در این موارد از اعضای خود حمایت‌کنند یا پیگیری‌شوند تا قوانین مورد نیاز و بسترهای آن را فراهم کنند. بنابراین کارتون و هنرمند کارتون‌نویس بودن به‌عنوان یک شغل هنوز به رسمیت شناخته نشده، به همین دلیل ۹۰ درصد از افرادی که در این زمینه کار می‌کنند، شغل چندم‌شان است و اگر قرار بود فقط از این حوزه امرار معاش کنند، باید دست‌تکدی به سوی جامعه دراز می‌کردند. اگر کسی در این زمینه پول درمی‌آورد به‌حوزه نمایشگاهی ورود پیدا کرده و به فروش آثارش در نمایشگاه و زمینه‌هایی نظیر این وارد شده است، هر سال چند سزنی‌تولید برای جاهای مختلف ارسال می‌کرده و مردم درآمدی برای خود ایجاد کند. به نظر من بحث اولویت‌دار در این زمینه تغییر نگاه توسط مسئولان و مخاطبان است و کارتون به‌عنوان شوخی پیش‌پاافتاده تلقی نشود، البته باید تأکید کنم که بخش مهمی از مخاطبان در دو دهه گذشته این نگاه را به کارتون پیدا کرده‌اند که به سمت جدی‌شدن رفته است. به همین دلیل است روزنامه‌هایی که منتشر می‌شوند یا در بخواه منتشر شدن قرار دارند در گوشه‌های شان داشتن صفحه‌ای یا ستون طنز و کارتون است و باوجود فشارها و مذاق این کار را می‌کنند و این نشان می‌دهد که کارتون در حال جدی‌شدن است و باید وارد آن حوزه شد که هنرمند کارتون‌نویس‌ها امتیاز شغلی پیدا کنند.

عکس: ستاره کاغذی، شهروند